

روایت مهتاب کرامتی از بازی در «عصر یخبندان»:

اضطراب زیادی داشتم



بیست وهفتمین جشنواره فیلم فجر برای مهتاب کرامتی خوش یمن بود. آن سال او به واسطه بازی در فیلم «بیست» به کارگردانی عبدالرضا کاهانی سیمرغ بلورین جشنواره

را گرفت؛ نقشی که برای نخستین بار مهتاب کرامتی را در شمایلی دیگر به لحاظ نوع بازی و گرم در سینما نشان داد. انتخاب‌های متفاوت کرامتی در سال‌های اخیر بیشتر شده و به گفته خودش از اینکه نقش‌های مشابه را بپذیرد پرهیز می‌کند. امسال او یکی از بازیگران پرکار جشنواره است و هر چهار فیلمی که در آنها بازی کرده، در بخش مسابقه سینمای ایران حضور دارد. اما ظاهراً «عصر یخبندان» به کارگردانی مصطفی کیایی برای مهتاب کرامتی حال و هوای دیگری دارد و به نوعی آزمونی جدید برای اوست. شاید این تجربه متفاوت، سیمرغ دیگری برای کرامتی به ارمغان بیاورد.

۱۰ خانم کرامتی بازی در «عصر یخبندان» چطور اتفاق افتاد؟

باید به روزهای قبل از فیلمبرداری برگردم. زمانی که با مصطفی کیایی درباره فیلمنامه صحبت کردم و البته آشنایی‌ای که نسبت به او به واسطه دیدن آثارش داشتم. مصطفی کیایی سینماگری است که فیلمنامه خوب برایش اولویت دارد و تمام توانش را برای کارگردانی خوب کارش می‌گذارد. با سابقه او هم آشنایی داریم. کیایی در تجربه‌های پیشینش، هم توانسته مخاطب عام را جذب کند و هم منتقدان جدی سینما را. این اتفاق کمی نیست؛ چراکه به‌ندرت چنین چیزی را در سینما شاهد هستیم و این موضوع برای من اهمیت زیادی داشت. آقای کیایی سال گذشته با فیلم «خط ویژه» نظرات مثبت بسیاری را به سمت خود جلب کرد و نشان داد که می‌تواند در سینما موفق تر ظاهر شود. اما بعد از خواندن فیلمنامه «عصر یخبندان» با فیلمنامه‌ای به‌شدت جذاب و متفاوت روبه‌رو شدم. این فیلمنامه بسیار دقیق و حساب‌شده نوشته شده بود، با شخصیت‌پردازی‌های درست، چندین بار فیلمنامه را خواندم و هر بار بیشتر از آن لذت بردم. با اینکه تعداد شخصیت‌های داستان به نسبت زیاد است که البته از نظر من یکی از ویژگی‌های فیلم محسوب می‌شود، به گمان من «عصر یخبندان» یکی از اتفاقات مثبت پرونده کاری مصطفی کیایی خواهد شد. بنابراین به‌جز شخصیت مصطفی کیایی و فیلمنامه جذاب «عصر یخبندان»، در آن فیلم یک گروه بسیار حرفه‌ای در پشت و جلوی دوربین حضور داشتند؛ انتخاب‌هایی دقیق و حساب‌شده که نشان از کیفیت مطلوب کار بود. بازیگران این فیلم بسیار با دقت انتخاب شدند و چون من نخستین بازیگری بودم که به گروه ملحق شدم، در جریان روند تولید فیلم و شاهد تلاش‌های روشن» دارد و درامی عاشقانه است»

۱۰ خداحافظی طولانی چطور شکل گرفت؟

فیلمنامه این فیلم از آقای اصغر عبدلهی است.

اصلاً پیش از من قرار بوده فیلمساز دیگری این فیلم را بسازد. من مدت‌ها مشغول فیلمنامه خودم بودم به نام «سراسر شب» که یکی، دوسال گذشته هم مدام درگیرش بودم. در تلاش بودم که آن فیلم را به مرحله تولید برسانم. در این میان، علی حضرتی، تهیه‌کننده فیلم، با من تماس گرفت و از من خواست «خداحافظی طولانی» را بسازم. من هم فیلمنامه را خواندم، پس از مطالعه آن، دلایل زیادی برایم به وجود آمد که فیلمنامه خودم را نیمه‌کاره رها کنم و این فیلمنامه را بسازم. قصه این فیلم در یک محیط صنعتی و در میان کارگرها اتفاق می‌افتد. سال‌هاست منتظر بودم در یک فضای کارگری فیلم بسازم. متأسفانه، یکی از محدودیت‌های سینمای ما این است که ۹۰ درصد فیلم‌ها در تهران و بالاتر از چهارراه پارکوی اتفاق می‌افتند و اکثریت جامعه و کارگرها از سینمای ما حذف شده‌اند و مجموعه این دلایل انگیزه من شد که «خداحافظی طولانی» را بسازم. سال‌ها بود دنبال این بودم که فیلمی در محیط کارگری بسازم. دلیل بعدی که مرا ترغیب کرد، عاشقانه‌بودن فیلم بود. بعد از «شب‌های روشن»، دیگر فیلمنامه عاشقانه‌ای نخواندم و فیلم عاشقانه‌ای نساختم و بعد از ۱۰، ۱۲ سال فرصت پیش آمده بود تا در ژانر موردعلاقهام کار کنم. دلیل سوم هم این بود که، به‌لحاظ تصویری،

تیم تولید بودم و همه این موارد به من گفت که در این فیلم حضور داشته باشم و می‌تواند برای من تجربه متفاوتی باشد.

۱۰ چه چیزی در شخصیت «منیر» وجود داشت که برای شما خاص شد؟ فکر می‌کنم تا حد زیادی پرونده کاری من گویای این است که از تجربه‌کردن لذت می‌برم و همیشه به استقبال نقش‌های متفاوت می‌روم. «عصر یخبندان» برای من یک آزمون جدید بود. بعد از خواندن فیلمنامه شخصیت «منیر» به‌لحاظ اجرا به نظم شخصیت سختی رسید و مدام با خودم فکر می‌کردم که باید به بهترین شکل ممکن آن را بازی کنم و بعد در طول فیلمبرداری متوجه شدم، بیش از چیزی که فکر می‌کردم نقش سختی است. معمولاً روال حضورم در یک فیلم این است که فیلمنامه را چندین بار می‌خوانم و مدت‌ها به شخصیت فکر می‌کنم تا عمق شخصیت برای خودم قابل ارزیابی باشد و برحسب اطلاعاتی که فیلمنامه به من می‌دهد در ذهنم شخصیت‌پردازی می‌کنم و طی گفت‌وگو با کارگردان درباره سابقه شخصیت اطلاعاتم را بیشتر می‌کنم تا اینکه زمان فیلمبرداری فرامی‌رسد و قرار است تمام آموخته‌ها و ذهنیت من از نقش، مقابل دوربین ظاهر شود. همیشه شروع فیلمبرداری برای من با اضطراب همراه است و در طول سال‌ها بودن من در سینما، این اتفاق تغییری نکرده است. هرچند به‌مرور و در طول فیلمبرداری این اضطراب کمتر می‌شود، اما در مورد «عصر یخبندان» شرایط کمی فرق می‌کرد. این اضطراب چندبرابر شد و دقیقاً تا روز آخر بابت هرسکانس هیجان و اضطراب زیادی داشتم و سعی می‌کردم این شخصیت را به بهترین شکل ممکن بازی کنم. تعداد شخصیت‌های این فیلم به‌نسبت زیاد و فیلمنامه به تمامی این شخصیت‌ها پرداخته است و گاهی پیش می‌آمد که بین دوسکانس بازی من فاصله‌ای ایجاد می‌شد و برایم مهم بود که رااکورد حسی نقش را حفظ کنم و این، کار را برایم سخت‌تر می‌کرد.

۱۰ قطعاً برای خلق شخصیت «منیر» مابه‌ازاهای فراوانی دیدید...

بله، متأسفانه از این دست افراد در جامعه ما کم نیستند.

۱۰ البته پیش از این در فیلم «اسب حیوان نجیبی است» هم نقش زنی معتاد را بازی کردید و تجربه ایفای چنین نقشی را دارید...

بله. اما ویژگی‌های رفتاری این دوشخصیت با هم متفاوت است. اما قطعاً با چنین شخصیتی غریبه نبودم.

۱۰ شما در تمام این سال‌ها نشان دادید که از عهده ایفای نقش سخت برمی‌آیید و غالباً نقش‌های متفاوتی ایفا کرده‌اید، اما با توضیحات شما تصور می‌کنم به دیده‌شدن و مورد توجه قرارگرفتن «عصر یخبندان» امید بسیاری دارید.



توضیح شما در مورد کارنامه کاری من نشان می‌دهد که تا حد زیادی در مسیر کاری در‌ست عمل کرده یا کمترین اشتباه را داشته‌ام. به هر حال، هر بازیگر در مسیر حرفه‌ای کارش ممکن است خطاهایی انجام دهد اما تمام تلاشم را کردم که به بهترین شکل ممکن در سینما قدم بردارم. من از تجربه نقش‌های متفاوت همیشه استقبال می‌کنم، شاید برای من راحت‌تر باشد که شخصیت‌هایی شبیه به هم در فیلمنامه‌های مشابه‌ای می‌پیشنهاد می‌شود را بپذیرم. اما قطعاً این شکل از بازیگری من را راضی نمی‌کند. دوست ندارم خودم را تکرار کنم یا اینکه همیشه به این موضوع پرهیز می‌کنم که هم‌زمان در دو فیلم ایفای نقش کنم که احساس می‌کنم در چه حالی هستند. اینها مواردی است که در آثار نه به شکل شعار و پیام‌های آنچنانی، به شکل روابط معمولی آورده شده است. می‌توانم جمله‌هایی را بگویم که افراد خیلی معمولی بر زبان می‌آورند، مثلاً می‌گویند: «چگونه یاد گرفته‌ایم هرکاری که به نفع خودمان است را انجام دهیم» و فکر نکنیم بقیه بعد از آن آثار نه به شکل شعار و پیام‌های آنچنانی، به شکل روابط معمولی آورده شده است. می‌توانم جمله‌هایی را بگویم که افراد خیلی معمولی بر زبان می‌آورند، مثلاً می‌گویند: «چگونه یاد گرفته‌ایم هرکاری که به نفع خودمان است را انجام دهیم» و فکر نکنیم بقیه بعد از آن آثار نه به شکل شعار و پیام‌های آنچنانی، به شکل روابط معمولی آورده شده است. می‌توانم جمله‌هایی را بگویم که افراد خیلی معمولی بر زبان می‌آورند، مثلاً می‌گویند: «چگونه یاد گرفته‌ایم هرکاری که به نفع خودمان است را انجام دهیم» و فکر نکنیم بقیه بعد از آن آثار نه به شکل شعار و پیام‌های آنچنانی، به شکل روابط معمولی آورده شده است. می‌توانم

۱۰ امسال با چهار فیلم در جشنواره حضور دارید و به نوعی یکی از بازیگران پرکار جشنواره محسوب می‌شوید. در مورد این چهار فیلم چه نظری دارید؟

بله، امسال من با چهار فیلم در جشنواره حضور دارم. اما می‌توانم این را بگویم که فیلم اصلی من «عصر یخبندان» است. شاید بیان‌کردن آن خیلی درست نباشد، اما تصور می‌کنم فیلمی است که بیشترین حضور را در آن داشته‌ام و بر همین اساس، این نقش را برایم ویژه‌تر می‌کند. در فیلم سه‌اپیزودی «جامه‌داران» من تنها در یک‌اپیزود بازی کردم و درواقع در یک‌سوم فیلم حضور داشتم. «ارغوان» فیلمی است که به سه‌زمان مختلف می‌پردازد و زمان کوتاه‌تری در فیلم حضور دارم. «مزارشریف» فیلمی مردانه است که بازهم در بخش کوتاهی از فیلم حضور دارم. اما «عصر یخبندان» فیلمی است که حضور پررنگ‌تری در آن دارم و با اینکه تعدد شخصیت‌های آن زیاد است اما احساس می‌کنم حضورم شاید نمود بیشتری داشته باشد، شاید نوع فیلمنامه و شخصیت‌پردازی این امکان را به من داد که آن را اینطور ببینم. اما چهارفیلمی که در آنها ایفای نقش کرده‌ام، چهارشخصیت متفاوت است. در «عصر یخبندان» نقش یک زن معتاد را بازی می‌کنم با ویژگی‌های رفتاری متفاوت که چالش بزرگی برایم بود. در «مزارشریف» من را در شمالیل یک زن افغان خواهید دید که قطعاً حضور در چنین نقشی می‌تواند تجربه‌ای خاص باشد. در فیلم‌های «جامه‌داران» و «ارغوان» که تصور می‌کنم کمی به لحاظ شخصیتی به هم نزدیک‌ترند اما تفاوت‌های بسیاری در رفتار دارند برایم تجربه‌های بی‌نظیری بود. حضور هر چهار فیلم در بخش مسابقه سینمای ایران و تفاوت‌هایی که به آنها اشاره کردم، تا حد زیادی نشان می‌دهد که درست انتخاب کرده‌ام.



فضای خودش را دارد. تنها نکته اشتراک این دو فیلم، عاشقانه‌بودن آنهاست. در باقی چیزها متفاوتند. من به عنوان کارگردان تشابه دیگری نمی‌بینم.

۱۰ ژانر کاری شما چیست؟ ژانری نزدیک به «پوپک و مش‌ماشالا» یا «شب‌های روشن»؟

من به عنوان فیلمساز، همه نوع فیلمی می‌سازم و خودم را در یک چارچوب حبس نمی‌کنم. همه ژانری را دوست دارم تجربه کنم.

۱۰ یعنی حتی فیلم اکشن هم خواهید ساخت؟ برای ساخت فیلم اکشن که آرزو دارم، خیلی دوست دارم فیلم اکشن بسازم چون فیلم اکشن، حرکت دارد. ۱۰ فضای امسال جشنواره را چطور ارزیابی می‌کنید؟ همه فیلمسازانی که در جشنواره امسال حضور دارند همکارانم در سینمای ایران هستند. اصولاً فکر نمی‌کنم در طی این یک سال، سینما تغییری اساسی کرده باشد. سینمای ما، سینمای متوسط‌الحالی است که طی یک سال اوج و فرود زیادی ندارد. هر سال، در جشنواره تعداد محدودی فیلم خوب داریم و تعداد فراوانی فیلم غیرقابل تحمل. امیدوارم امسال تعداد فیلم‌های خوب بیشتر باشد. هیات داوران هم که از بین همکاران باتجربه‌اند و امیدوارم موفق عمل کنند.

۱۰ وضعیت سینما در دولت یازدهم چطور پیش رفته؟

در دولت آقای روحانی، اوضاع سینما به طرز چشمگیری بهتر شده. درهای فیلمسازی به روی فیلمسازان وسیع‌تری گشوده شده است. باندبازی وحشتناکی که در سه‌سال‌های دولت قبل درگیرش بودیم خفیف شده ولی درعین‌حال بسیاری از مشکلات کماکان باقی مانده‌اند و مشکلاتی اساسی وجود دارند که به اقتصاد کلان کشور بر می‌گردد و هیچ وزیر ارشادی در هیچ دولتی قادر به حل آنها نیست. تا اینجا کار، به نظرم اهالی دولت یازدهم در زمینه سینما بد عمل نکرده‌اند.

ویژه جشنواره فیلم فجر

ادامه از صفحه اول ویژه

کنج پنهان

۱۰ این فیلم در معرفی و شناساندن جزیره و عملکرد دکتر احمد نادعلیان، حتماً نقش مهمی دارد. درواقع می‌توان گفت کارکرد توریستی هم خواهد داشت...

اینجاست که معتمد اگر واقعا مملکت‌مان را دوست داشته باشیم، برای هرنوع هدردادن ثروت این مملکت دل می‌سوزانیم. اینکه گفتم شاید یک نفر باید چندبار فیلم را ببیند، به این دلیل است که دفعه‌اول فقط داستان دیده می‌شود. البته از شما ممنونم که فیلم را دقیق دیده‌اید. بارها گفته‌ام مملکت‌های دیگر فیلمسازان خودشان را دارند. باید از قالب شخص بیرون بیاییم و فکر کنیم این فیلم اگر در جامعه نشان داده شود، جامعه را متحول نمی‌کند، ولی افرادی را به فکر وامی‌دارد. نکته دیگر اینکه همیشه گفته‌ام برای من فیلمسازی یعنی ابتدا بتوانیم در فرهنگ جامعه‌مان موثر باشیم. بعد در دنیا هم اگر نفوذ داشتیم و توانستیم مطرح شویم، چه بهتر. اما

اول باید بتوانیم در این جامعه موثر باشیم، مثلاً اگر امکانش بود در مورد ترافیک این شهر فیلم می‌ساختم که چطور ما خودخواهانه رفتار می‌کنیم و چگونه به دیگران نمی‌اندیشیم. چگونه یاد گرفته‌ایم با یک فرصت‌طلبی تنگ‌نظرانه هرکاری که به نفع خودمان است را انجام دهیم» و فکر نکنیم بقیه بعد از آن آثار نه به شکل شعار و پیام‌های آنچنانی، به شکل روابط معمولی آورده شده است. می‌توانم جمله‌هایی را بگویم که افراد خیلی معمولی بر زبان می‌آورند، مثلاً می‌گویند: «چگونه یاد گرفته‌ایم هرکاری که به نفع خودمان است را انجام دهیم» و فکر نکنیم بقیه بعد از آن آثار نه به شکل شعار و پیام‌های آنچنانی، به شکل روابط معمولی آورده شده است. می‌توانم جمله‌هایی را بگویم که افراد خیلی معمولی بر زبان می‌آورند، مثلاً می‌گویند: «چگونه یاد گرفته‌ایم هرکاری که به نفع خودمان است را انجام دهیم» و فکر نکنیم بقیه بعد از آن آثار نه به شکل شعار و پیام‌های آنچنانی، به شکل روابط معمولی آورده شده است. می‌توانم جمله‌هایی را بگویم که افراد خیلی معمولی بر زبان می‌آورند، مثلاً می‌گویند: «چگونه یاد گرفته‌ایم هرکاری که به نفع خودمان است را انجام دهیم» و فکر نکنیم بقیه بعد از آن آثار نه به شکل شعار و پیام‌های آنچنانی، به شکل روابط معمولی آورده شده است. می‌توانم

۱۰ اصلاً جنشش فرق می‌کند...

خودم فکر می‌کردم اگر من بودم، چطور می‌خواستم این فیلم را دآوری کنم؟ اما تنها چیزی که مایل بودم و امیدوارم این شرایط فراهم شود، این بود که دو، سه‌نفر از این افراد را به تهران بیاورم، چون اینجا مثلاً دختری که نقش ترنس را بازی می‌کند، می‌گفت آقای سینایی من تمام روز در خانه بیکار هستم. تورو خدا من را به تهران ببر.

۱۰ یعنی می‌خواهد تهران را ببیند؟

هم تهران را ببیند و هم کار کند. خیلی هم بااستعداد است. گفتم من چطور تو را به تهران ببرم؟ آرزوی من این است که این افراد بتوانند کار کنند و انشاءالله بتوانیم این فیلم را در هرزم هم نمایش دهیم.

۱۰ به نظرم اول باید خود اهالی هرمز این فیلم را ببینند که چه نعمتی دارند...

بله. برای من نمایش این فیلم در هرمز مانند پریمیر در جشنواره کن است. واقعا می‌گویم. جاهایی انسان فکر می‌کند ماجرا اصیل نیست و انسان، ابزار چیزهای دیگر است، اما جاهایی اصالتی وجود دارد. می‌بینید که آدم‌ها خوشحالتد و عمیقاً در زندگی‌شان احساس رضایت دارند. فکر می‌کنم فیلم چندسازم در جشنواره فجر و بعد هم در استان‌ها نمایش داده خواهد شد. انشاءالله در استان هرمزگان و سایر استان‌ها نمایش داده شود که همه ببینند مردم این جزیره روی یک‌کنج پنهان نه کنج پیدا نشسته‌اند.

انتمکاس

جشنواره‌ای با قوانین متغیر

کلاویژ نادری

جشنواره فیلم فجر هر سال با قوانین و مقررات متفاوتی آغاز می‌شود، ادامه پیدا می‌کند و به پایان می‌رسد. فیلمسازان و تهیه‌کنندگان با انتشار فراخوان جشنواره با یک‌سری مقررات جدید روبه‌رو می‌شوند که بنا به سلیقه و عقاید مدیران تعیین شده است، به‌طوری‌که گاهی اوقات نمی‌توان دلایل منطقی و معقولی برای این تغییرات پیدا کرد. گاهی، این مقررات تنها به تغییر نام بخش‌های مختلف جشنواره محدود می‌شود، گاهی تعداد سیمرغ‌ها را کاهش می‌دهد، گاهی مقررات خاصی برای فیلم‌های اول وضع می‌شود، گاهی مثل امسال بخش مهمی مانند بین‌الملل از جشنواره حذف می‌شود، گاهی محدودیتی برای حضور فیلم‌ها در جشنواره اعمال نمی‌شود و مانند سال گذشته ۷۲ فیلم در بخش‌های رقابتی جشنواره شرکت داده می‌شود و تعدادی از فیلم‌ها در بخش غیررقابتی جشنواره به نمایش درمی‌آید و گاهی دبیر جشنواره، برخلاف سال قبل، بر محدود و قطعی بودن تعداد فیلم‌ها اصرار می‌کند و حاضر نیست بیش از آنچه از ابتدا اعلام می‌شود فیلمی را به بخش مسابقه اضافه کند. اینها همه جزو قوانینی است که نه ثابت است و نه همیشگی. سال‌به‌سال تغییر می‌کند، نظرات کارشناسی عوض می‌شود، کارشناسان هم تغییر می‌کنند و اگر دبیر جشنواره هم ثابت بماند، باز هم هر سال به نتایج تازه‌ای منجر می‌شود که نیمی از تصمیمات سال قبل را نقض کرده و برخلاف آنها قانون‌گذاری شود. شاید یکی از معهود جشنواره‌هایی که اینچنین دچار تغییر و تحول می‌شود، جشنواره فیلم فجر باشد. جشنواره‌های معتبر جهانی، علاوه‌بر دارا بودن یک دبیر ثابت، ساختار و جوایزی یکسان دارد که هر سال تکرار می‌شود و از قوانین ثابت و مطلق‌ی بهره می‌برد و همین یکی از نقاط قوت این جشنواره‌هاست که هر سال دچار تغییر و تحولات اساسی و جزئی نمی‌شوند و تکلیف همه از قبل روشن و مشخص است و هیچ‌کس در انتظار تغییرات محیرالعقول نیست. کارها طبق روال عادی و همیشگی پیش می‌رود و همه با برنامه‌ریزی مشخص و از قبل تعیین شده در جریان کارها قرار دارند. اما در ایران و در جشنواره فجر، هر سال تصمیماتی گرفته می‌شود که بعضاً با سال قبل متفاوت است اما ممکن است مشابه تغییرات دوسال پیش باشد که در سال گذشته دستخوش تحول شده است. امسال هم همین روال در جشنواره فیلم فجر طی شد. در ابتدا، طی یک تغییر بنیادین، جشنواره از شکل بین‌المللی به جشنواره داخلی تغییر پیدا کرد که البته این اقدام، هرچند در انجام شد، اما بهترین اتفاقی بود که باید از خیلی قبل‌تر رخ می‌داد. جشنواره فجر نه یک جشنواره بین‌المللی بود و نه می‌توانست باشد. کمیانی‌های فیلمسازی به‌دلیل محدودیت‌های ناشی از اعمال ممیزی و سانسور فیلم‌ها در ایران، تمایلی برای شرکت در این جشنواره نداشتند و مدیران فیلم‌هایی را که با نگاه ممیزی خود انتخاب کرده بودند، در جشنواره شرکت نمی‌دادند و در نهایت به آنها سیمرغ هم می‌دادند. در این میان، حتی بازیگر برتر هم معرفی می‌شد درحالی‌که حتی روح آن بازیگر هم از نمایش فیلمش و انتخاب او به‌عنوان بهترین بازیگر خبر نداشت. این شکل معیوب باید سال‌ها پیش تغییر می‌کرد که خوشبختانه سرانجام امسال این اتفاق رخ داد. تعداد فیلم‌های جشنواره امسال هم تفاوت فاحشی با جشنواره سال گذشته داشت. درحالی‌که دبیری این دو دوره هرعهده علیرضا رضالداد است، اما او سال گذشته درهای جشنواره را باز گذاشت تا جذب حداکثری داشته باشد و همه فیلمسازان دور هم باشند، اما امسال تعداد فیلم‌ها را آنقدر محدود کرد که سرسودهای هیات انتخاب هم درآمد و در باینه خود به‌طور واضح و علنی اعلام کرد، دستشان در انتخاب بسته بود و اگر می‌توانستند تعداد فیلم‌های بخش مسابقه را از ۲۲ به ۳۰ و نگاه نو را از ۱۱ به ۲۰ فیلم افزایش می‌دادند. با همه اینها رضا داد من نتوانست همچنان روی حرف خود بایستد و پافشاری کند. او هم تاب نیاورد و در مقابل فشارها و انتقاداتی که به او می‌شد، کوتاه آمد. بداله صمدی، که با انتخاب‌نشدن فیلمش هرروز نامه می‌نوشت و همه را به باد انتقاد می‌گرفت، سرانجام موفق شد حرف خود را به کرسی بنشاند و دبیر جشنواره فیلم او «پدر آن دیگری» را به بخش خارج از مسابقه راه داد. پیش از صمدی هم فیلم‌های «ابوزینب» ساخته علی غفاری، «جزیره رنگین» به کارگردانی خسرو سینایی، «این سبب هم برای تو» اثر سیروس الوند هم بنا به مصالحی با اینکه جزو فیلم‌های برگزیده هیات انتخاب نبودند اما در بخش خارج از مسابقه قرار گرفتند. به همین دلایل است که طبق روالی که همیشه وجود داشته و همچنان هم ادامه دارد هیچ بعید نیست در طول برگزاری جشنواره هم شاهد تغییرات این چنینی و خارج از برنامه باشیم، با اینکه مدیران جشنواره امسال با جدیت تلاش کردند همه‌چیز از قبل قابل پیش‌بینی و روشن باشد و به‌قول رئیس سازمان سینمایی هیچ اتفاق غیرمترقبه‌ای رخ ندهد، اما مانند آنچه سال گذشته دو ساعت قبل از مراسم اختتامیه رخ داد یا آنچه خارج از برنامه برای نمایش فیلم محمدرسول‌الله در افتتاحیه امسال به وجود آمد و این فیلم به این مراسم و جشنواره فجر نرسید، اتفاقاتی غیرقابل پیش‌بینی رخ دهد که مدیران جشنواره چاره‌ای جز تغییر در سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود نداشته باشند.

ادامه از صفحه ۲ ویژه

استاد لحظه‌های ناب

بخشی از آثار جعفریان مثل «تاتوره»، «بی‌بی چلچله»، «نقش عشق»، «زیر درختان زیتون»، «پچه‌های ابدی» و «ج» سرشار از طرح‌هایی مبتنی بر عناصر داستان‌مانرانه است. به‌نظر می‌رسد آنچه بیش از هر چیز در این فیلم‌ها برای جعفریان حایز اهمیت است، پرداختن به ارتباط انسان با مناسبات اجتماعی و محیطی پیرامونش است. او در نورپردازی و شکل و هندسه حرکتی در این فیلم‌ها، به درک متفاوتی از نورپردازی و رنگمایه به نسبت دیگر آثار از این دست رسیده، به‌طوری‌که برای انتقال حس درست، به‌شدت متکی بر محورهایی نامحسوس و غیرقابل دیده شدن برای معرفی و کنش‌شدنی شخصیت‌ها است که شاید به خلوص او در تجربه اولش در سینمای آزاد با «چه پرستاره بود شبم» (ناصر غلام‌رضایی) بازگردد؛ برای همین است که همواره در چالش واقع‌گرایی و نمایشی‌شدن در آثار او، غلبه با واقع‌گرایی بوده است و برخی از مهم‌ترین فیلم‌هایش، با وجود مابازارهای زیبایی‌شناسانه میزانشن محور، نوره‌ای استریلزه کمینه‌کار، به‌خوشد ساختند متمركز و سطح‌بندی به معنای خاص کلمه ماهانگ، به‌خوشد وام‌دار یک نوع لحن ضدانگار است. و حالا حسین جعفریان نابغه فیلمبرداری در ایران، با انبوهی از جوایز و افتخارات فجر و خانه سینما (نسل سوخته، رستاخیز، ج، درباره‌الی، چهارشنبه‌سوری، دیوار، جایی برای زندگی، بانوی ارذیه‌بشت، دو زن، نقش عشق و...) در آغازین سال‌های دهه‌چهارم از فعالیت سینمایی‌اش سرزند و پرافتخار به یکی از ارکان و پایه‌های اصلی فیلم‌برداری سینمای ایران تبدیل شده؛ فیلم‌برداری که بدون شک تک‌تک آثارش درسی برای فیلم‌برداران در سینمای ایران است.